

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: سولاتی از خدمتتان داشتم. ۱. در مورد کلمه تاریخ که مکرر از آن در بیانات و کتب خود استفاده می‌کنید، اگر تعریف تاریخ را به آنچه مرسوم است حساب نکنیم، آیا می‌توانیم بگوییم که تاریخ در بیان شما به این معنی است که اگر تاریخ را با اجزا آن بخواهیم تعریف کنیم، هر تاریخ جدید یعنی یک استکبار جدید و یک نماد جدید اراده خدا و لوازم و اشخاص آن در اجتماع؟ و اگر اینگونه است زمان مثلا آیت الله قاضی را باید چگونه بنامیم؟ ۲. در بررسی افراد و رفتار افراد جامعه این را کنجاو بودم که مثلا چه می‌شود که یک نوع پوشاک، یک نوع بیان و گویش، یک نوع سبک زندگی و... به سرعت در جامعه باب می‌شود، با دقت در افراد متوجه میشم که اکثرا هرچند آنچه در سطح جامعه، باب شده را ناخوشایند می‌دانند ولی برای هم سطح شدن و به نظر آنها عقب نماندن از یک رسم خود را با آن رسم هماهنگ می‌کنند. حال در بیان شما جمله ای با عنوان اینکه بشر این دوران میخواهد با "بود" خود زندگی کند و به کمتر قانع نمی‌شود، حال که بود هر شخص به وسعت جهان است، سوال اینکه ما تا چه حد می‌توانیم تبعیت افراد از مُد را تقلای آنها برای زندگی با بود خود بدانیم، و آیا اصلا این تبعیت از رسم باب شده هر روز در جامعه را می‌توانیم در این حوزه بحث کنیم یا نه صرفا تبعیت از دنیا طلبی و... است که قبلا هم بوده. ۳. در ادامه مطلب و سوال دوم آیا وجهی از این زندگی با بود خود منتهی کم رنگ تر را در دوران انسانهای قدیم هم داریم؟ ۴. آیا می‌توانیم یکی از علل حوالت بشر این دوران به ساخت ابزار برای زندگی خود را علت زندگی در بود جهانی خود بدانیم؟ ۵. در آخر اینکه خواست سوال کنم که چه کتابی را به عنوان منبع موثق مطالعه تاریخ ایران و اسلام معرفی می‌کنید؟ ممنون.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در این مورد خوب است به این نکته توجه شود که «وجود» در هر عصری حضور و ظهوری مناسب آن عصر و تاریخ دارد، این نکته‌ای است که می‌توان از آیه «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» مد نظر آورد. این خدا همواره در هر تاریخی به صورتی زنده و فعال در صحنه است، از جمله در انقلاب اسلامی. خدایی که نیچه مرگ آن را مطرح می‌کند، خدای مفهومی است که به عنوان واجب الوجود در ذهن‌ها جای دارد ولی خدای پیامبران و در این زمان خدای امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه»، خدای دیگری است و این است، خدایی که عین بقا و حضور است. انقلاب اسلامی متذکر این شأن از حضور خداوند در این تاریخ می‌باشد. ۲. بشر آخرالزمانی آزادی را جزو ذات

خود می‌داند و اگر آن را با هویت قدسی‌اش همراه نبیند، گرفتار نوعی پوچی و سرگردانی می‌شود و عملاً تن به هر کاری می‌دهد که در بشر جدید ملاحظه می‌کنید. ۳. بشر دیروز بیشتر با باورهایش زندگی می‌کرد و نسبت به این امر در آرامش بود. ۴. همین‌طور است. ۵. به نظر می‌آید کتاب «انقلاب اسلامی؛ طلوع جهان بین دو جهان» و جزوه «انقلاب اسلامی و فهم امام خمینی از انسان و جهان مدرن»

<https://lobolmizan.ir/leaflet/1005?mark=%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8%20%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C> در این مورد

کمک می‌کند. موفق باشید